



معرفی

یک

قرآن

نقیس

دکتر محمد جعفر یاحقی
استاد دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

از میان قرآن‌های مترجم کهنی که از دیرباز بر حرم مطهر حضرت ثامن الحجج وقف شده و هم اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی نگه داری می‌شود، برخی یادگار روزگارهای بسیار کهن می‌باشد و آنها هم که به زمان ما نزدیک تر می‌نماید، جلوه گاهی است از ذوق و هنر پیشینیان که با اخلاصی فریشته وار، در راه اعتقاد خویش کار کرده‌اند.

قرآنی که اینک معرفی می‌شود، یکی از چند قرآن معتبری است که از جهت احتواء بر ترجمه‌ای بسیار استوار، در جزء قرآن‌های مترجم دیگر در سازمان فرهنگنامه قرآنی آستان قدس رضوی فیس شده است. اهمیت این قرآن نفیس از دو جهت است. اول از نظر قدمت تاریخی (تاریخ تحریر، صفر سال ۵۵۶ هجری) و داشتن ضمام و یادداشت‌های مفید و دیگر از حیث ترجمه بسیار استوار و عالمانه که گذشته از لغات پارسی خوب برخی نشانه‌های لهجه مترجم را هم در بردارد. در ذیل در سه قسمت جداگانه به معرفی آن پرداخته می‌آید.

الف: مشخصات

ب: ضمام و یادداشت‌ها

ج: در باب ترجمه

الف: مشخصات

قرآن مورد بحث، به شماره ۶۶۱ مسلسل و نمره خصوصی ۳۰۴ جزو کتب کتابخانه آستان قدس ثبت است.

شماره ۴۹ و ۵۰ پنجاه

7855

۳۶۹

معرفی یک قرآن نفیس

قرآنی است کامل با ۴۴۹ صفحه متن و ۷ صفحه ضمائم و یادداشت‌ها در مقدمه متن عربی به خط کوفی مشکول و گاه نزدیک به نسخ، ترجمه فارسی در ذیل کلمات با خط نسخه می‌باشد. دو صفحه آغاز با پیشانی و ذیل طرح قلمکار به سنگرف و زعفران تزیین یافته است. اسامی سوره‌ها بخط رقاع با زعفرانی و برخی بزعفران تحریردار، نوشته شده است. حزب و جزو و نصف الجزو در حواشی بشنگرف است و نیز نشانه‌های ترنجی برای فواصل ده‌آیه (عشرات) و نشانه‌های مخروطی برای پنج‌آیه (خمسات) در حواشی با سنگرف و زعفران قرار گرفته است. دو صفحه نصف القرآن (یعنی ص ۲۲۷ و ۲۲۸) نیز همچون دو صفحه اول با پیشانی و ذیل تزیین یافته است. فواصل آیات با دوایر زعفرانی مشخص شده. وقوف با زنگار و مدات و همزه‌ها و برخی دیگر از نشانه‌های تجویدی به سنگرف است. با قطع ۳۷/۵ × ۲۵؛ هر صفحه ۳۴ سطر (۱۷ متن و ۱۷ ترجمه) در بر دارد.

نام کاتب و تاریخ کتابت

تاریخ کتابت و نام کاتب به همان قلمی که متن تحریر یافته، در صفحه آخر به دنبال سوره «ناس» نوشته شده و کاتب این یادداشت خود را هم ترجمه کرده و مثل متن قرآنی در ذیل عبارات عربی، فارسی آن را داده است.

اینک یادداشت کاتب و ترجمه آن:

و کتب هذاالجامع ابو علی ابن (کذا) الحسن بن محمد بن الخطیب بقریه کهکابر من ناحیت المرحبى من کوره الری اعانه الله على طاعته و ابتغاء مرضاته منه و ثبته بالقول الثابت فی الدارین و فرغ منه فی یوم السبت الثالث العشر من صفر عند الصلوة الظهر من سنة ست و خمسين و خمس مایه .

نوشت این... پدر علی حسن پسر محمد پسر حسن خطبه کننده بدیه کهکابر از بقعه مرحبى گویند، از حوالی شهر ری بدارد او را خدای تعالی ور طاعت خویش و بجوید رضای خدای یعنی در خویش و بجوید رضای خدای یعنی در نبستن کتاب و محکم کند بگفتن محکم یعنی بپذیرد در هر دو سرای و فارغ شد از نبستن این کتاب در روز شنبه سیزده از ماه صفر نزدیک نماز پیشین از سال شش و پنجاه و پانصد.

در ذیل این یادداشت بازنگار یعنی قلمی که با آن وقفها را گذاشته است؛ نوشته:

و فرغ من وقوف هذا المصحف یوم و ... من هذا الشهر المذكور فیه روز...

از وقوف کردن این کتاب ازین ماه کی نوشته است درین

در حاشیه سمت چپ صفحه و کنار یادداشت کاتب با سنگرف یعنی رنگ مدات و نشانه‌های تجویدی نوشته است:

و فرغ منه من المد هذا المصحف
و همزه‌ها و تنوین ذلک فی آخر هذا
الشهر من سنة المذكور فیه یوم الاثنین
فارغ شد از ان از ممدود... این
کلام و تنوین این در آخر این ماه از
سال... روز دوشنبه

واقف وقف نامه

وقف نامه این قرآن در آغاز، پشت صفحه اول با خط جدیدتر به این شرح موجود است:

این جلد کلام مجید ربانی را وقف مقدسه امام انس و الجان حضرت امام رضاعلیه الصلوة و السلام نمود صلاحیت شعار کمترین خلق الله محمد بیک بزاز ساوقی که در روضه متبرکه تلاوت نمایند و اگر کسی آن را از سرکار حضرت طمع نمود متصرف شود بلعنت خدا گرفتار گردد تحریراً فی غرة شهر ربیع الاول سنه ۱۱۳۱.

ب: ضمائم و یادداشت‌ها

گفته شد که حدود ۷ صفحه ضمائم در آغاز این قرآن هست که برخی از نظر تاریخی اهمیت دارد. این یادداشت‌ها بر دو گونه است. یک قسمت از آنها به خط خود کاتب است که اهمیت بیشتری دارد و غالباً ترجمه فارسی آن هم در زیر عبارات عربی داده شده است که چون در حد خود کم نظیر است ما آنها را همراه ترجمه‌اش نقل می‌کنیم. قسمت دیگر یادداشت‌های بعدی است که با خط متن متفاوت است و بزمان‌های اخیر مربوط می‌شود.

مهم ترین ضمیمه‌ای که به خط کاتب همراه با ترجمه فارسی با همان خصوصیت متن عربی به چشم می‌خورد، اسماء باری تعالی که در آغاز بخط کوفی متحول نگارش یافته و مزیت آن بر متن از این جهت است که اعراب آن به رسم قدیم با نقطه‌های قرمز است فتحه یک نقطه در بالا، کسره یک نقطه در زیر و ضمه با یک نقطه در روی حرف نشان داده شده است.

مطلب دیگر که به نظر می‌رسد بقلم کاتب اصلی باشد حدیثی است که از رسول اکرم درباره قرآن که جمله عنوان و ترجمه فارسی آن بازنگار نوشته شده و خط عربی حدیث خط کوفی است که درشت‌تر از متن قرآن نوشته شده و به همان ترتیب که در جدول اسماء الله نوشته شده اعراب آن با نقطه‌های قرمز است. اینک آن حدیث و ترجمه فارسی آن:

و قد جاء الأخبار عن السيد المختار انه قال: القرآن غنی لا فقر بعده و لا غنی دونه اصدق

الحديث كتاب الله . القرآن هو الدواء . ليس منّا من لم يتغنّ بالقرآن . خير لكم من تعلم القرآن
و علمه القرآن . افضل عبادة امتى قراءة القرآن...

و حقيقت آمد اخبار از سيد بزرگوار و گزیده کی او گفت :

قرآن توانگری است ک نیست در ویشی پس از آن و نیست هیچ توانگری ماورای آن راست
تر حدیثی کتاب خدای است . قرآن به حقیقت شفای مؤمنان . نیست از ما آن که نکند
توانگری بقرآن . بهترین شما آنکس است که درآموزد قرآن را^۱... دیگران را قرآن...^۲

یاد داشت ها و ضمانمی که از نظر خط و اسلوب نگارش به متن شبیه بود و به نظر می رسید که
به خط کتاب اصلی باشد تقریباً در اینجا پایان می یابد . یادداشت هایی که از این به بعد خواهد آمد
با خط متن متفاوت و آنچه هم تاریخ دار است جدیدتر از تاریخ کتابت اصل می باشد . مهم ترین
آنها جدولی است که برای عدد حروف قرآن ترتیب یافته که بخط ثلث می باشد و در تاریخ جمادی
الآخر سال ۵۵۷ یعنی یک سال بعد از اتمام متن نوشته شده و معلوم می شود بخط کاتب نیست . این
است آن جدول :

عدد حروف القرآن :

ا : خمس و اربعین الفاً و ثمان مائة و اثنین و سبعین

ب : عشرة الف و اربع مائة و اثنی و عشرين

ت : احدى عشر الفاً و ثلثمائة و اثنین و ثلثین

ث : الف و اربع مائة و اربع

ج : ثلثة الف و ثلثمائة و اثنی و عشرين

ح : اربعة الف و مائة و تسعين و ثلث

خ : الفین و ستمائة و ثلث

د : اربعة الف و تسع مائة و سبعین

ذ : ست الف و اثنین و تسعين

ر : اثنا عشر الفاً و مائین و اثنین و اربعین

ز : الف و ستمائة و ثلث

س : احدى عشر الفاً و ستمائة غیر واحد

ش : الفین و مائة و تسع و ثلثین

ص : الفین و مائین و سبع و ثمانین

ض : الفین و مائة و تسع و تسعين

ط : الفان و مائین و اثنی و ثلثین

ظ : ثمان مائة و اثنین و اربعین

ع : سبعة آلاف و احدى عشره

غ : الف و مائة و تسع و ثلثین

ف : اربعة آلاف و احدى عشره

ق : الفین و اربع مائة و احدى و ستین

ک : عشرة الف و مائین احدى و عشرين

ل : ثلاثة و ثلثین الفاً و خمس مائة و عشره

م : خمسة عشر الفاً و تسعة

ن : سبعة عشر الفاً و اربعین

و : احدى و عشرين الفاً و خمس مائة و عشرين

هـ : ثلاثة عشر الفاً و تسع و عشرين

لا : اربعة آلاف و اثنی و خمسين

ی : تسعة آلاف و احدى و خمسين

جمله : فذلک ثلثمائة الفاً و احدى و عشرين الفاً و اربع مائة و احدى و عشرين و کتب يوم الثلاثاء
عند الزوال فی شهر جمیدى الآخر سنة سبع و خمسين و خمس مائة .

از قدیم ایام تعداد حروف و کلمات و رکوعات قرآن را مسلمانان با حوصله تعیین کرده
بودند و در مقدمات قرآن ها و برخی کتب دیگر هم دیده می شود و گاه اختلافاتی هم در شمارش
برخی از حروف بیچشم می خورد .^۵

مطلب دیگر که باز از نظر تاریخی اهمیت دارد حدیثی است با خط ثلث که در سال ۶۵۲
کتابت شده باین شرح :

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ان هذه القلوب تصدأ كما يصدأ الحديد . قيل يا
رسول الله فما جلاها ؛ قال ذكر الموت و تلاوة القرآن . صدق الله العظيم و صدق رسوله
الکريم . كتبه العبد الضعیف محمد الادیب الساوی بخطه فی منتصف ربيع الاول من سنة
اثنی و خمسين و ستمائة و غفرالله له .

در صفحه مقابل این حدیث بعد از حمد باری تعالی تاریخ تولد شخصی بنام عبیدالله پسر
استاد نورالله که روز چهارشنبه بیست و ششم رمضان المبارک سال ۹۱۴ واقع شده بقلم شخصی

بنام احمد الخطیب بخط ثلث جلی تحریر یافته است.

یک صفحه دیگر در آغاز این قرآن هست که حاوی احادیثی از قول حضرت رسول می باشد که بوی اصلاً جزء خود قرآن نبوده و در صحافی های بعدی هم به آن منضم گردیده است.

احادیث با خط ثلث درشتی تحریر یافته و در بین سطور که از هم زیاد فاصله دارد پدید می آید و ریزتری عبارات و اشعار لطیفی دیده می شود این چند بیت که خالی از لطافتی نیست نقل می شود:

اعتصام الوری بمغفرتک

تب علینا فانتا بشر

در سطر بعد نوشته :

الخط صناعة روحانية تزيد بالمدامومة و تزیل بالترک.

الخط یبقی زماناً بعد کاتبه

در ذیل همین یادداشت در مناجات :

الهی انت تعلم ما مرادی

الهی لیس لی علم جمیل

وتعلم ما ضمیری فی فؤاد

سوی غلّی بمضوک للعباد

در پانین صفحه ، کاتب با خط شکسته زیبایی چنین خود را معرفی می کند : حرره الفقیر الحقیر المذنب الجافی محمد الخوارزمی عفا الله عنه ، ولی تاریخی بچشم نمی خورد.

در قدیم که شناسنامه وجود نداشته مسلمانان تاریخ تولد فرزندانشان را که از یادهای دور معمولاً بر پشت قرآن ها که در هر خانه ای طبعاً وجود داشته می نوشته اند (این رسم هنوز هم گه و گناز در برخی خانواده های دهاتی دیده می شود). بر پشت صفحه اول این قرآن ها هم امضا و تاریخ تولد سه فرزند صاحب آن - که شخصی بنام ابوالهیجان عبدالواحد بوده - که بین سال های

۵۸۱ تا ۵۸۵ اتفاق افتاده یادداشت شده است . در همین صفحه مهرهای متعددی از اولیای آستان قدس دیده می شود، در آخرین صفحه آن هم دعای ختم القرآن با خط کوفی نوشته شده که گویا

کامل هم نیست و ورقی از آن افتاده است.

ج : در باب ترجمه

گفته شد که قرآن مورد بحث دارای ترجمه ای کامل و استوار در ذیل آیات می باشد که گویا به قلم کاتب متن انجام گرفته است . پارسی شیوای این ترجمه نشان می دهد که مترجم علاوه بر اینکه

عربی خوب می دانسته به دقایق و لطائف زبان پارسی نیز آگاه بوده است ، زیرا برابری های فارسی او در حد خود کم نظیر است و همین سعه دانش او باعث شده که از بسیاری از خطاهایی که مترجمان

دیگر احیاناً بر ایشان پیش آمده بر کناز مانده است . در ترجمه پارسی این قرآن تا حد لزوم و تا آنجا که بمعنی واقعی کلام مجید خللی وارد نیامده اصالت و سهولت زبان پارسی حفظ شده است و حتی مترجم تا حدود امکان خود را از قید جمله بندی عربی خارج کرده و به روانی پارسی بیشتر اهمیت داده است .

به طوری که بیشتر زیرنویس آیات بدون مراجعه به متن عربی روان و گویای مطلب است . در همین جا باید گفت که برای رعایت همین نکته است که مترجم بسیاری از حروف تأکید و روابط و عطف ها که مخصوص عربی است و در فارسی لصیح نمی باشد ، ترجمه نکرده ، مثل ان ، ف (لام و نون تأکید) و غیره ، و علاوه هر جا ایجاد کرده ، مشتقات را به صورت فعل ترجمه کرده و یا فی

المثل کلمه ای برای ابضاح مطلب بر ترجمه لفظ به لفظ افزوده است . مثلاً ترجمه این دو آیه : فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان

ترجمه : متابعت کند معروف را و دهنده او(=به او) دیت آن کشته ص ۱۱ .

آیه دیگر :

حافظوا علی الصلوات الوسطی و قوموا لله قانتین فان خفتم فرجالاً و رکباناً فاذا امنتهم فاذکروا الله کما علمکم

ترجمه : نگاه بان باشی (=باشید) و در نمازها خاصه نماز میانه و مطیع باشی خدای را مطیع شدگان اگر ترسی (=ترسید) شما نماز کنی پیاده یا بسوار چون ایمن گردی نماز کنی خدای را چنانکه در آموختست شما را ، ص ۳۰ .

در بن قرآن برخی خصوصیات بچشم می خورد که به نظر می رسد از آثار لهجه مؤلف باشد و یا از مقوله استعمال نادری که ممکن است در هر روزگاری در زبان قلم رایج باشد ، در زیر احتمالاً به چند مورد اشاره می کنیم .

الف : در ترجمه فعل نهی مغایب ، برخی موارد در آخر ترجمه یک الف افزوده می شود . مثل : لایضار : مکنیازیان(۳۷) ، لایاب : سروامزنیاب(۳۷)

همچنین در آخر ترجمه فعل امر غایب هم چنین الفی در آمده است .

مثل لیکتب : بنویسیا(۳۷) لیخش : بترسیا(۶۰)

ب : حذف دال دوم شخص جمع .

فعل های جمع مذكر مخاطب که در فارسی دوم شخص جمع معنی می شود .

اکثر اوقات بدون دال آخر که در صورت ، بامفرد شبیه است ، استعمال شده .

امثله :

لا تلحقوا: وامکنی موی (= و امکنید) (۲۴) افیضوا: واگردی شما (۲۴)

لا تکفرون: نسیبسی نکنی (۸) اذکروا: یادکنی (۸)

اهبطوا: فروشوی (۷) تهتدون: راه یافتگان باشی (۲)

ح: نکته قابل ملاحظه دیگر تبدیل برخی حروف است که با مقایسه با استعمال امروز شکل مضبوط در این قرآن بنظر می رسد فرم لهجه ای باشد.

استعمال واو بجای ب: شواهد

لاتحمل: ورمته (۳۸) یقوم: ورخیزد (۳۶)

غی: ویراه (۳۳) فوق: زور (۲۶)

رفعنا: ورداشتیم ما (۱۵) اعوذ: و از دشت خواهم (۱۲)

یتلوا علیکم: می ورخوانند و شما (۸) یخضعون: می فریوند ایشان (۲)

خ به جای هـ

اتقوا: بپرخیزید (= بپرهیزید) (۳) تتقون: بپرخیزی (۱۱)

واو به جای ف

ریوة: او را ز (=افراز بمعنی بلندی) (۳۵)

ف به جای واو

بقر: گاف (۱۲) و چندین مورد دیگر

در زیر برای مزید آشنایی با ترجمه این قرآن ترجمه سوره «فجر» (۸۹) را که از برخی مواردی تفسیری هم خالی نیست با شماره آیات می دهیم شاید (از فایده ای خالی نباشد) ضمناً رسم الخط خود متن هم رعایت می شود.

بنام خدای مهربان و بخشنده

سوگند یاد کند بصبح زود (۱) و به شب های ده از اول ذی الحجه (۲) و بهر نمازی کی جفت است و بنمازی کی طاق است (۳) و بشب چون اندرآید (۴) هست در این چیزها سوگندی خداوند عقل را (۵) خیر نکردند ترا یا محمد کی چون کرد خداوند بقوم هود (۶) ارم برسام بن نوح خداوندان ستون ها زرین و سیمین (۷) انک نیافرید خدای مانندان در شهرها (۸) و چون هلاک کرد قوم صالح آن کسهاک می کنند سنگ ها را بوادای (۹) و چون غرقه کرد فرعون خداوندان میخها (۱۰) آن کسهاک ایشان تباهی کردند در شهرها (۱۱) و بسیار کردند اندر شهرها فساد (۱۲) بفرستاد برایشان خداوند تو سخت ترین عذابی (۱۳) بدرستی کی خداوند تو فریشتگان را به راه گذر صراط کرده

پیشانی

۲۸۲۲

است (۱۴) اما مردم کافر چون بیازمایند او را خداوندش و گرامی کند او را و نعمت دهدش گوید خداوند من گرامی بکرد مرا (۱۵) و چون بیازمایند او را و تنک بکنند بر وی روزی او او می گویند خداوند من خوار بکرد مرا (۱۶) حقاک نه که ندارد گرامی یتیمان (۱۷) و نه حریص کنند مردمان را بر طعام دادن درویشان (۱۸) و همی خورند میراث خوردنی سخت (۱۹) و دوست می دارند خواسته را دوستی بسیار (۲۰) حقاک چون بجنبانند زمین را جنبانیدنی از بس یک دیگر (۲۱) و بیایند امر خداوند تو و فرشتگان صف صف (۲۲) و بیاورند آن روز دوزخ را روز بند گیرذ کافر و کجا سوذ دارد بند گرفتن اوی (۲۳) همی کویذ کاشکی من نیکی فرستاد می در زندگانی خویش (۲۴) آن روز نکنند عذاب چون عذاب کردم وی هیچ کس را (۲۵) و نکنند پای بند چون پای بند کردن وی هیچ کس را (۲۶) کویند مؤمنان را ای جام ایمن شده از عذاب (۲۷) باز کرد با ثواب خداوند خویش خشنود شده به ثواب خدای و خشنود شده از تو بفرمان برداری (۲۸) اندر روید اندر جمله بندگان من (۲۹) و اندر روید در بهشت من (۳۰)

این قرآن به طور کلی از نظر برابرای فارسی چندان غنی نیست و بیشتر در ترجمه آن طبیعت زبان ملحوظ بوده تا آوردن پارسی سره و پرهیز از عربی، با این همه چنان نیست که یکسره از لغات پارسی اصیل خالی باشد. برای نمونه در زیر اندکی از برابرای فارسی آن را می دهیم:

- اخذود: آب برین
- اولین: پیشینگان
- اساور: دستونجها (کذا)
- بشر: مزدگان ده
- اعد: بجارده است
- بقره: گاف
- اعوذ: و از دشت خواهم
- تسلیم: گردن نهادن
- تشکرون: سپاس دارید
- لا تحمل: ورمته
- تعی: بنوشید
- لاتساموا: سیرورمه ای
- جناح: بزه
- و لا یشرکون: نگیرند هنباز
- ختم: مهرور نهاد
- لجی: ژرف
- دابّه: جمنده
- مال: خواسته
- رجیم: ستنه
- مستقین: پرخیزگاران
- رفعنا: ورداشتیم ما
- مسجد الحرام: مرگت شکوه مند
- زرابی: شادگانها
- مسکنة: درویشه (کذا)
- ساحرین: فسوس کنان
- مکر: سگالیدن
- سحاب: میغ
- من: ترجمین

۲۷۶

سمیع: اشنوا
 شرب: آبشخور
 عسر: دشخواری
 غمام: میغ
 غمی: ویراه
 کواعب: زنان دوشیده (کذا)
 اسماء الله

وقود: هیمه
 وکیل: پایندان
 یخدعون: می فریوند ایشان
 یستعجلون: شتاب زدگی کنند
 یشریب: باز خوردند
 یوم الدین: روز رستخیز

اسماء الله تعالی تسع وتسعون اسماء من احصیها
 نامها خدای بزرگوار نه و نود نام هر که بشمرد یعنی بخواند آن را
 دخل الجنة لا شک فیهن
 دررود در بهشت نیست شکی اندران
 هو الله الذی لا اله الا هو
 اوست خدای آنکه نیست خدای مگر او
 الرحمن الرحیم الملك القدوس السلام المؤمن
 بخشاینده و امیرزنده پادشاه پاک از عیب بی عیب و ایمن کننده ایمان قبول کننده از مؤمنان
 المهیمن العزیز الجبار المتکبر
 گواه راست عزیز کننده و بی همتا کامکار و بزرگوار بزرگوار و بی همتا
 الخالق الباری المصور الغفار القهار
 آفریدگار و هست نگارنده خلق آمرزگار و پوشنده گناه قهر کننده
 الوهاب الرزاق الفتاح العلیم
 بسیار بخشنده بی آنکه عوضی خواهد روزی دهنده گشاینده بندها دانا به همه چیزها
 القابض الباسط الخافض الرافع المعز
 تنگ کننده روزی فیاخ کننده روزی فرو نهنده بردارنده عزیز کننده آن را که خواهد
 المذل السمع البصیر الحکم
 خوار کننده آن را که خواهد اشنوا به گوش بینانه چشم داوری کننده با بندگان خویش
 العدل اللطیف الخبیر الحلیم
 دادگر رفق کننده با بندگان خویش آگاه از همه چیزها بردبار که تعجیل نکند بعقوبت کردن

۳۷۸
 ۳۷۸

العظیم الغفور الشکور العلی الکبیر
 بزرگوار و بزرگ آمرزگار گناهان پذیرنده طاعت و بسیار ثواب دهنده بزرگوار بزرگواری
 الحفیظ المقیت الحسیب الجلیل الکریم
 نگاه دارنده توانا به همه چیز بسنده و شمار کننده روز شمار بزرگوار گرامی کننده بندگان
 الرقیب المجیب الواسع الحکیم الودود
 نگاه دارنده بندگان پاسخ کننده دعا بسیار عطا محکم کار درست کردار دوست دار مطیعان
 المجید الباھت الشھید
 بزرگوار و نیکوکار فرستنده رسولان و زنده کننده مردگان دانا و گواه بر هرج بنده کند
 الحق الوکیل القوی المتین
 هست بدرستی و سزا بخدایی تکفل کننده بدر بایست خلق توانا بر هر چه خواهد همسان
 الولی الحمید المحصی المبدی
 یاری دهنده آن را که خواهد ستوده به همه صفات دانا به همه چیزها اندر... آفریدگار خلق
 المعید المحیی الممیت الحی القیوم
 زنده کننده مردگان زنده کننده مردگان مرده کننده زندگان را زنده بی جان یابنده بی همتا
 الواجد الماجد الواحد الاحد الصمد
 یگانه بی همتا بزرگوار و نیکوکار یگانه و بی همتا یکی که مانند ندارد پناه نیازمندان
 القادر المقتدر المقدم المؤخر
 توانا و تقدیر کننده توانایی که عجز او را... فراپیش دارنده واپس دارنده آنچه واپس باید داشت
 الاول الاخر الظاهر الباطن الولی
 پیش از همه چیزها واپس همه چیزها پیدا بدلیل نهان از وهم و چگونگی سازنده کار بندگان
 المتعالی البر التواب المنتقم العفو
 بزرگوار کننده نیکوکار توبه دهنده و توبه پذیرنده دادستان درگذرنده گناه
 الرؤف مالک الملك ذوالجلال والاکرام الجامع
 مهربان بخشاینده پادشاه پادشاهان خداوند بزرگوار و گرامی کننده فراهم آورنده خلق
 الغنی المغنی المانع الضار
 بی نیاز بی نیاز کننده باز دارنده بلا از خلق زبان کننده آن را مستحق... [باشد]
 النافع النور الھادی البدیع الباقي
 سود کننده آن را که مستحق باشد روشن کننده راه نماینده آفریدگار خلق همیشه

۳۷۹
 ۳۷۹

باقی پس از فتای خلقی راست تدبیر و راه نمای آنکه بعقوبت بندگان تعجیل نکند
 الذی لا اله الا هو وسع کل شیء رحمة و علما
 آنکه نیست خدای مگر او و رسیده همه چیزی بخشایشی و دانای
 احصی کل شیء عددا لیس کمثله شیء و هو
 داناست به همه چیزی اجزاء عددی نیست بمانند او هیچ چیزی و اوست
 السمع البصیر نعم المولی و نعم النصیر
 اشوانه بگوش و بینانه به چشم نیک پناهی و نیک یاری دهی
 از قرآن مترجم شماره ۶۶۱ به خط ابوعلی حسن بن محمد بن الحسن الخطیب در قریه که کابر
 ری در ۱۳ مشر ۵۵۶ هجری قمری .

۱. ابن کثیر، حواشی، شانده، تصویف به «بمناست اوردش» معنوی و بلند مرتبه ای قرآن.

۲. مصنفه ای، نقله چیر بر پیش صحافی، گفته است.

۳. ابن کثیر، مسوده شده و فانی قرأت نیست.

۴. از انتخاب به بعد بر پیش صحافی گفته است.

۵. از جمله رجوع شده تا به استن قدس شماره ۴ سال هشتم، مقاله آقای پیش بنام «یک قرآن کم نظیر»، ص ۹.

۶. در متن کتابها خوانده می شود.

۷. در نسخه ای تصحیح برهه آید یعنی پیشه مشهور، در رسم الخط قدیم گاه با دو الف بصورت (۱۱) دیده شده است از جمله رجوع شود.

۸. خانه دانشگاه ادبیات مشهد شماره ۲ سال سوم مقاله آقای دکتر متینی، ص ۱۶۶.

۹. تاریخ، ص ۱۰۰، در این قرآنها همه جا به معنی نوشیدن و در مقابل شرب عربی می آید.